



ضرب المثل با حرف ع

عاقلان دانند:

به دو معنی:

۱- به کسی می گویند که عیب و بدنامی خود را روی دیگری بگذارد و برعکس حرف بزند.

۲- حرف کسی که از چیزی سر در نمی آورد.

عجله کار شیطان است:

هیچ کاری با عجله و اضطراب به سرانجام خیر و نتیجه درست و مطلوب نخواهد رسید.

عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد:

اگر خدا بخواهد چه بسا در دسرها و توطئه ها و دشمنی ها به دست خود دشمن موجب خیر و برکت می گردند.

عرش را سیر می کند:

به کسی می گویند که بخاطر وقوع امری مطلوب و غیر منتظره بسیار خوشحال و ذوق زده باشد.

عاقبت جوینده یابنده بود:

هر که جویای هر چه باشد بالاخره آن را بدست خواهد آورد زیرا هیچ چیز در برابر همت و تلاش و پشت کار انسان غیر ممکن و دست نیافتنی نیست.

عروس تعریفی گوزو از آب در اومد:

درباره کسی می گویند که برخلاف خوشگویی ها و تعریفی که از او شده رفتار ناپسندی را انجام می دهد.

عروس نمی تونسست برقصه، می گفت اتاق کجہ:
کسی که قادر به انجام کاری نباشد و برای توجیه خود از شرایط و ابزار کار ایراد بگیرد. بهانه تراشی.

عروس هزار داماد:
منظور دنیا و بی وفائی آن است که هر روز بر وفق مراد کسی است و روز بعد از او روی می گرداند.

عزرائیل هم رغبت نمی کنه طرفش بیاد:
اشاره به آدم زشت و لاغری یا بیماری که آنقدر از ریخت و رو افتاده و بد حال است که عزرائیل هم از او روی می گرداند.

عزرائیل را جواب کردن:
به کسی یا بیمار بد حالی می گویند که از مرگ حتمی جان بدر برده باشد.

عشق هایی کز پی رنگی بود / عشق نبود عاقبت ننگی بود:
عشق واقعی با نفس پرستی و عشقی که با دیدن ظاهر و آب و رنگ به وجود می آید فرق می کند، عشق های ظاهری نتیجه ای جز ننگ و بدنامی ندارد.

عشوه شتری، غمزه خرکی:
نازی بخودی که اصلاً هم به طرف نمی آید.

عطایش را به لقایش بخشید:
کسی که چون حاضر به دیدن و مراد به شخص بد اخلاق یا منت گذار نیست از خیر لطف و فایده آن شخص هم صرف نظر می کند.

عقل سالم در بدن سالم:
هر گاه جسم سالم و نیرومند باشد، فکر هم خوب کار می کند.

عقلش پاره سنگ بر می داره یا عقلش گرده:
عقل سالم و درست حسایی نداره، کم عقل است.

عقلش پس کله شه:
کسی که بدن تفکر کاری را انجام داده و پس از به بار آوردن پشیمانی متوجه کار اشتباه خود بشود.

عقل که نیست، چون در عذاب:
کسی که عقل سلیبی ندارد یا از عقلش درست استفاده نمی کند، دچار ضرر و دردسر و عذاب می شود.

عقل مردم به چشمشان است:
بیشتر مردم ظاهرین هستند و آنچه را که می بینند باور می کنند.

علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد:
باید قبل از اینکه کار از کار بگذرد و اتفاق بد یا مشکل و دردسری به وجود آید به فکر چاره اندیشی بود.

علف باید به دهن بزی شیرین باشد:
در انتخاب همسر یا انتخاب چیزی، خود فرد باید از طرف مقابل یا آن چیز خوشش بیاید و آن را پسندد و تمایل داشته باشد نه دیگران.

علف زیر پاسبز شدن:
مدت زیادی در جایی به انتظار ایستادن.

علی ماند و حوضش:
رفتن همه و تنها ماندن کسی.

عمو یاد کار خوابی یا بیدار؟:
هوشیار و متوجه کردن کسی که در شرف ضرر یا خطر است و در وضع نامناسبی قرار دارد.

عبد اقیانوس:
گذشته های خیلی دور، دورترین زمان.

عیب می جبهه بگفتی هنرش نیز بگویی:
کسی یا چیزی را که فقط بدی ها و عیوبش را بیان کنند و خوبی ها و مهارتش را نادیده بگیرند.

عیسی به دین خود، موسی به دین خود:
دو نفر یا دو گروه یا دو دسته که کاری به کار هم نداشته باشند و هر کس به راه خود و به دنبال کار و عقیده خود برود.